

معصومه قره داغی
عضو هیئت علمی گروه تاریخ
دانشگاه آزاد اسلامی شبستر

سیری در زندگی، آثار و اندیشه های سیاسی عبدالرحمان کواکبی

چکیده

تا پیش از آغاز سده نوزدهم میلادی، دول استعماری اروپا هنوز تهاجم جدی خود را به مناطق مهم دنیای اسلام چون عثمانی، هندوستان و قسمتهایی از سرزمین های آفریقائی آغاز نکرده بودند. بنابراین دنیای اسلام هنوز خطر فوق را به درستی درک نکرده بود. اما با آغاز سده نوزدهم استعمار با تمام توان خود بر جهان اسلام یورش آورد و بخشهایی از قلمرو امپراطوری عثمانی، قفقاز و الجزایر به ترتیب تحت سیطره امپراتوری های بریتانیا، روسیه و فرانسه قرار گرفت. این حملات بی امان، متفکران جهان اسلام را متوجه خطر قریب الوقوع سلطه غرب بر سراسر جهان اسلام نمود و متعاقب آن با پا گیری جنبش اتحاد اسلام، ضرورت مبارزه با استعمار کشورهای خارجی قویا "احساس گردید. در این راستا عبدالرحمان کواکبی نیز به مانند سایر مصلحان بزرگ اجتماعی نظیر سیدجمال الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده ضمن تلاش برای علت یابی انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی، مسلمانان را متوجه قابلیت ها و توانایی های اسلام برای نیل به پیشرفت و تعالی نموده و آنان را به ستیز با استبداد حکام و استعمار خارجی فراخواند. هدف بنیادی این پژوهش، بررسی نقشی است که عبدالرحمان کواکبی در این راستا بر عهده داشته است.

کلید واژه: امپراطوری عثمانی، اتحاد اسلام، استانبول، استبداد، استعمار، انحطاط، عبدالرحمن کواکبی.

مقدمه

جنبش نوزایی اسلامی در میان ملت های عرب برای پایان دادن به سلطه امپراطوری عثمانی و استعمار دولت های اروپایی از سده نوزدهم میلادی آغاز گردید. تلاش علماء متفکران عرب در تکوین و پایداری این جنبش اثر بسیار شگرفی داشت.

در یکصد و پنجاه سال اخیر که اروپایی محابا در پی تسخیر و سلطه بر جهان بود دنیای اسلام دستخوش یک انقلاب و دگرگونی بزرگی شد و توفان پر آوازه تعرضات غرب، شرق خفته را به خیزش در آورد. دنیای اسلام از ضعف و ناتوانی خود با خبر شد و این توجه پنهانی ولی عمیق امت محمدی را از منتهی الیه آفریقا تا ترکمنستان آسیا بیدار کرد و به تدریج از قبل ارتباط با غرب، برخی انگیزش ها چون اندیشه دموکراسی، پارلمانتاریسم و ناسیونالیسم به دنیای مسلمانان وارد شد و سرانجام این همه غوغا دنیای اسلام را بیدار و بیداتر کرد. بدون تردید در بیداری جهان اسلام و زدودن آثار سلطه از زندگی مسلمین، در کنار مصلحان بزرگی چون سید جمال الدین اسد آبادی، شیخ محمد عبده، عبدالرحمان کواکبی نیز سهم بسزایی داشت. در نوشتار حاضر تلاش خواهد شد تا وجوهی از اندیشه سیاسی کواکبی با تکیه بر کتاب طبایع الاستبداد وی و نیز نقش او در مبارزه علیه بیداد و خود کامگی عثمانیان و ضرورت ستیز با استعمار مورد بررسی قرار گیرد.

کواکبی کیست؟

یکی از مصلحان اجتماعی مشرق زمین که در سده نوزدهم میلادی به تنویر افکار و بیداری اندیشه دینی در میان اعراب مسلمان مساعدت زیادی نمود عبدالرحمان کواکبی بود. وی ایرانی الاصل و ملقب به «سید الفراتی» بود که در سال ۱۲۶۵ هجری قمری در شهر حلب متولد شد. (۱) کواکبی از همان ایام جوانی در کار تحصیل از خود استعداد نشان داد و پس از آموختن زبان های ترکی، فارسی، تحصیلات عالی خود را در مدرسه کواکبیه حلب که پدرش ریاست آن را بر عهده داشت به اتمام رسانید. علوم جدید را از استاد خورشید که از ادیبان برجسته ترک بود فرا گرفت و پس از چندی معلومات خود را در ترکی و فارسی تکمیل نمود. از آن پس با خواندن روزنامه های ترکی چاپ استانبول که حاوی ترجمه ی مقالات روزنامه های غربی بود تا اندازه ای با اندیشه های غربی آشنا شد. (۲)

اجحافات و ستمگری های دولت عثمانی، عبدالرحمان کواکبی را به مانند بسیاری از مصلحان و متفکران مناطق اسلامی وارد عرصه سیاست نمود. وی در راستای فعالیت های سیاسی خود نخستین مجله عربی شهر حلب را به نام «الشهباء» منتشر کرد. انتشارات تند و سریع کواکبی در مجله مزبور از استبداد لجام گسیخته سلطان عبدالحمید عثمانی و دفاع او از حقوق پایمال شده مردم سوریه، حاکم حلب را واداشت تا «الشهباء» را پس از انتشار پانزدهمین شماره آن توقیف کند یک سال بعد کواکبی از نشر روزنامه دست برداشت و مدتی به فعالیتهای گوناگون دولتی مشغول بود، ولی در عین حال به انتشار مقالات ضد استبدادی در روزنامه های بیروت و استانبول ادامه داد چون دولتیان فشار خود را بر او سخت تر کردند از همه مناصب خود کناره گرفت و به کار وکالت پرداخت. تا اینکه در اثر محدودیت ها یی که بر او اعمال شد مجبور گردید سوریه را به عزم رفتن به مصر ترک گوید. (۳)

شکل گیری اندیشه سیاسی کواکبی

خمیرمایه اندیشه های این متفکر مسلمان در زادگاهش و عمدتاً^{۱۱} از طریق مطالعه روزنامه های ترکی چاپ استانبول که مطالب درخور توجهی را در خصوص پیشرفت های تمدن غرب منتشر می کردند شکل گرفت. با این حال نباید از تاثیر افکار سایر مصلحان و متفکرانی که در دیگر بلاد اسلامی زندگی می کردند چشم پوشی نمود. حتی برخی از تاثیر افکار ابن خلدون و به ویژه مقدمه او بر اندیشه های کواکبی سخن گفته اند. (۴)

کواکبی پس از مراجعه به مصر و سکونت در قاهره با جمعی از رجال سیاسی و مذهبی مصر از جمله رشید رضا ارتباط حاصل نمود. (۵) و پس از چندی کتاب معروف خود را بنام «طبایع الاستبداد» و همچنین کتاب دیگری تحت عنوان «ام القرى» را تالیف نمود. وی به رغم دوری از مسقط الرأس خویش هرگز ارتباط خود را با هم میهنان سوری خود نگسست. کواکبی در سال ۱۹۰۱ میلادی به نمایندگی از طرف عباس دوم، خدیو مصر مأمور شد تا به برخی از کشورهای اسلامی سفر کند و برپای بیانیه ای دایر بر لزوم انتخاب عباس دوم به مقام خلافت مسلمانان سنی امضاء گرد آورد. (۶)

کواکبی در خلال این مأموریت خود در عربستان، یمن و سودان و همچنین از هند که مدتها بود که در زیر یوغ استعمار انگلستان به سر می برد، دیدن نمود و بیش از پیش با اوضاع سیاسی

اجتماعی آنان آشنا شد. پس از بازگشت به مصر به جمعیت المناز پیوست و به سبب نگارش مقاله ها و کتاب ها یش همگان او را به نام یکی از پیشقدمان تجدید فکر دینی شناختند. در اوج شهرت و افتخار بود که در چهارم ژوئن ۱۹۰۲/۱۳۲۰ ق جهان هستی را وداع گفت. (۷)

ز خسروان مقدم چنانچه می شنوم: وفای عهد نکرده است با کسی این دوران
 دو چیز حاصل عمر است: نام نیک و ثواب و این دو در گذری، کل من علیها فان

بررسی دیدگاههای برخی از صاحب نظران پیرامون اندیشه سیاسی کواکبی

برای بازکاوی اندیشه های سیاسی عبدالرحمانی کواکبی لازم است نخست به این امر مهم توجه شود که آراء و افکار نامبرده از کجا سرچشمه گرفته بود. کواکبی خود در کتاب طبایع الاستبدادش از فردی به نام الفیاری المشهور نام برده است. (۸) که به گمان مرحوم حائری این شخص کسی جز تیورید آلفیری اندیشه گر وناسیونا لیست ایتالیایی نمیباشد. این اشاره گذرا و نشانه های دیگری که در خود کتاب از حیث همسانی گفتار کواکبی و آلفیری موجود است باعث شده تا احتمالاً "صاحب نظران بیشتری محتوای کتاب طبایع الاستبداد کواکبی را از اندیشه های آلفیری بدانند. احمد امین صاحب نظر دیگر دنیای عرب بر این باور بود که بیشتر آراء و عقاید بحث شده در طبایع از کتاب آلفیری ریشه گرفته است که در کتاب کوچکش بنام دلالتیرانده که به زبان ایتالیایی به معنی استبداد می باشد، آمده است (۱۰) علیرغم استفاده هایی که عبدالرحمان کواکبی از کتاب آلفیری کرده، کتاب طبایع الاستبداد وی در شمار رساله های تبلیغی دوره مشروطیت تلقی شده (۱۱) و بسیاری از نویسندگان عرب نظیر «جرجی زیدان» آن را در نظر خود بی نظیر دانسته اند چرا که شاید اولین کتاب در ادبیات معاصر باشد که موضوع آن به تمامی سیاسی است. (۱۲)

کواکبی در کتاب طبایع الاستبداد به تجزیه و تحلیل حکومت های خودکامه پرداخته و دلایل پیدایش این گونه حکومت ها و ماهیت آنها را بیان داشته است. در ابتدا وی تعریفی از علم سیاست را بدست داده آن را «کارهای مشترک به مقتضای حکمت» خوانده و «خاطر نشان کرده که «اولین مبحث استبداد بوده ومعنای آن تصرف نمودن در امورات مشترک به مقتضای هوی می باشد.» (۱۳)

کواکبی و استبداد

کواکبی ضمن پرداخت به مفهوم استبداد و نسبت آن با مقوله هایی چون دین، علم و اخلاق راه رهایی از استبداد را بررسی نموده است. از نظر وی استبداد صرفاً "محدود یا منحصر به استبداد فردی نبوده است و حتی حکمران جمعی منتخب نیز میتواند مایه استبداد گردد به گمان وی اشتراک در رای، رفع استبداد نمیکند بلکه ممکن است آن را تا حدودی تخفیف دهد هرچند چنین استبدادی از استبداد فردی سخت تر است. (۱۴)

آراء کواکبی در باب استبداد جمعی یاد آور آراء متفکر انگلیسی جان استوارت میل است وی در رساله خود تحت عنوان «در باره آزادی» برای دفاع از حقوق اقلیت ها یا افراد، خطر استبداد جمعی را خاطر نشان نموده است. (۱۵)

کواکبی در کتاب طبایع به کرات از استبداد و مضرات آن سخن گفته و آنرا یکی از عوامل عقب ماندگی و انحطاط مسلمانان مردم شرق دانسته است:

«... خدای بکشد استبداد را، بلکه لعنت کند استبداد را که در زندگی تو مانع از ترقی است و ملت ها به اسفل درک ها فرو برد. (۱۶)».

او در فصل «استبداد و ترقی» با صراحت و شفافیت بیشتری سخن می گوید و احتمالاً تحت تأثیر اندیشه های ترقی خواهانه شایع در غرب، حیات ملت ها را با آثار حرکت و ترقی اعضای آن، اضافه می کند که ملت های رو به موت عکس این وضعیت را دارند. وی در این مورد میان قضا و قدر و استبداد تفاوت قائل شده و خود را ملزم می بیند تا از اندیشه و آموزه قضا و قدر در اسلام دفاع کند. (۱۷) به گفته وی، قضا و قدر گاه به طور لحظه ای مانع سیر ترقی می شود و باز اجازه می دهد تا با آن سیر ادامه یابد. در حالی که استبداد سیر ترقی را کاملاً "واژگون ساخته، به انحطاط بدل می سازد. (۱۸) او مسائلی مثل خود کامگی، بی عدالتی، و ستم را امری ازلی و ابدی و ضروری نمی دانست و معتقد بود بشر می تواند در مسیر تکامل اجتماعی بر آن ها چیره شود.

از نظر این متفکر سوری، ساختار اساسی حکومت در اسلام بر خلاف آنچه مغرضین، پنداشته اند به صورت دموکراتیک و نمایندگی بوده و فرمانروایی استبدادی صورت فاسد این اصول بوده است که پس از پیدایش خلافت بنی امیه برقرار شده است. (۱۹)

کواکبی و دعوت مسلمانان به تأمل و دوراندیشی

کواکبی استبداد را مخالف جدی با اسلام دانسته و می نویسد: «قرآن کریم است که مشحون است به تعلیمات میرانیدن استبداد و زنده داشتن عدل و مساوات. (۲۰)» وی با استناد به آیاتی از سوره نمل تأکید قرآنی برای دوری گزیدن حکام از خودکامگی و ضرورت مشاوره آنان را با بزرگان قوم به مخاطبان خود خاطر نشان می ساخت. (۲۱) کواکبی از مسلمانان که در خواب و جهل و نادانی فرورفته و در اثر تعالیم غلط حکومت های استبدادی از شناسایی راه صحیح و همچنین از قافله فرهنگ و تمدن به دور مانده و زمینه را بر یک تازی و ستم استعمارگران فراهم ساخته اند به شدت انتقاد کرده و آن ها را به تأمل و دور اندیشی فرا خوانده است او نیز به مانند شیخ محمد عبده و استاد وی سید جمال همچنین طهطاوی و رشیدرضا به توان و نیروی اسلام برای پیشرفت و بالندگی باور داشته و یکی از راههای نیل به سعادت را در تاسی به تعالیم قرآن میدانسته است.

کواکبی در کتاب دیگر خود به نام «ام القری» به طور مبسوط به ریشه های ناتوانی و درماندگی مسلمانان و چاره های رفع آن پرداخته است. به گمان وی مسلمانان به نهضتی چون نهضت پروتستان در مسیحیت نیازمندند، تا اذهان آنان را از خرافات پاک کرده و اسلام را به خلوص اولی خود بازگرداند. (۲۲)

اتحاد اسلامی که او نیز در تکوین آن نقش مهمی داشته با اتکاء به درون مایه بازگشت به اصالت مسلمین در وجه بیرونی خود شعار سیاسی اش را بر مبنای اتحاد کلیه مسلمانان بر محور تعالیم اسلامی و آنچه که در زمان پیامبر اسلام و خلفای راشدین روی داده، ارائه می کرد در واقع هدف نهایی از طرح این شعار، اعاده اقتدار گذشته مسلمانان و مقابله با تهاجم دشمنان اسلام بود. (۲۳)

کواکبی و ضرورت تحقق یافتن پروتستانسیم اسلامی

کواکبی در راستای تحقق پروتستانسیم اسلامی، یکی از شرط های اصلاح فکر دینی را در اثبات سازگاری علم و دین می دانست او بر خلاف نظریات مغرضانه ای که از سوی برخی مبنی بر مخالفت اسلام به پیشرفت های علمی ابراز می شد، خاطر نشان می کرد که بسیاری از حقایقی که

در روزگار ما به اختراع ها و اکتشافات اخیر اروپائیان نسبت داده می شود در خود «قرآن» به صراحت یا اشارت وجود دارد و با تامل کافی در آیات قرآنی می توان به آنها پی برد. (۲۴)

کواکبی از تندروترین متفکران مسلمان بود که فرمانروایی عثمانی را مورد حمله قرار داد و خواهان استرداد خلافت از ترکها به عربها شده. نه خواهان گسستن وحدت عثمانی. (۲۵)

کواکبی و استعمار

استعمار و عملکرد آن در کشور های اسلامی از دیگر دغدغه های فکری عبدالرحمن کواکبی بود او دولت وقت فرانسه را به خاطر عوام فریبی ها و استعمار مردم برهنه ورنجور سرزمین های آفریقایی مورد ملامت قرار داده و می گفت «اینک فرانسویان هستند که اهل دین را همی دانند و همی خواهند و این را به کلی فراموش کند. پس ادعای ایشان در مشرق مانند صفیر صیاد است در پس دام. (۲۶)»

یا در جای دیگر کتاب طبایع چنین نوشته بود: «فرانسویان هفتاد سال پیش از این، از الجزائر آمدند و هنوز اهل آن را اجازه خواندن یک روزنامه نداده اند. (۲۷)»

گرچه کواکبی اشتیاق فراوانی به جذب پیشرفت های اروپا داشت و در این راستا مسلمانان را به اخذ جنبه های مثبت تمدن غرب تشویق می کرد اما لزوم مبارزه با استعمار را نیز به آنها گوشزد می کرد. (۲۸) او به هر دو رویه تمدن بورژوازی غرب توجه داشت. رویه استعماری آن را به شدت نکوهش کرده، اما بر رویه دیگر آن از جنبه دانش و اخذ آگاهی های علمی حائز اهمیت بود تأکید داشت.

نتیجه

عبدالرحمن کواکبی بر خلاف متفکرانی نظیر سید جمال الدین اسدآبادی به اعمال روش های انقلابی در سیاست باور نداشت و همواره شیوه ملایمت را توصیه می کرد.

وی به مصداق آیه «ادع الی سبیله ربك بالحکمه والموعظه الحسنه» اقناع مخالفان و دشمنان را با پند و اندرز بیشتر می پسندد. با این حال تلاش های کواکبی در راستای تحقق اندیشه اتحاد اسلام و پیشکامی وی در دعوت عرب ها برای جدا شدن از سلطه ترکان عثمانی و کوشیدن در راه یگانگی به رغم جدائی های مذهبی مایه آن شده است که نویسندگان معاصر عرب او را در عداد

نخستین منادیان قومیت عرب بدانند. کتاب طبایع الاستبداد اوبه دلیل پرداختن به مقوله استبداد و بررسی آن در چهارچوب «علم سیاست» اثر ذیقیمتی است که در زمانه خود و حتی بعد از آن از آوازه زیادی برخوردار شد به طوری که نائینی در تدوین رساله «تنبيه الامه و تنزیه المله» خود از کتاب مشارالیه متأثر گردید.

یادداشتها

- ۱- کواکبی، عبدالرحمن: طبایع الاستبداد، به کوشش صادق سجادی، ج اول، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ص ۶.
- ۲- عنایت، حمید: سیری در اندیشه سیاسی عرب، ج اول، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.
- ۳- همان، ص ۱۶۰.
- ۴- رحمانیان، داریوش: تاریخ علت شناسی انحطاط ایرانیان و مسلمین از سید جمال الدین اسدآبادی تا شریعتی، ج اول، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز (سه علامه تبریزی)، ۱۳۸۲، ص ۴۴.
- ۵- رشید رضا شاگرد محمد عبده و سوری الاصل بود و در مصر اقامت داشت مهم ترین اثری که از ایشان در باب خلافت به یادگار مانده است عبارت است از: «الخلافة او الامامة العظمی» که در آستانه الغای خلافت انتشار یافت برای اطلاع بیشتر از آرا و افکار او ر.ک:
- خدوری، مجید: گرایش های سیاسی در جهان عرب، ج دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۶۹.
- پولادی، کمال: تاریخ اندیشه ی سیاسی در ایران و اسلام، ج اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- عنایت، حمید: تفکر سیاسی اسلام، ج اول: تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- ۶- کواکبی، عبدالرحمن: ام القری، ص ۱۵۱، نقل از عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۶۲.
- ۷- عنایت، ص ۱۶۲.
- ۸- کواکبی، طبایع الاستبداد، ص ۱۲.

- ۹۹- حائری، عبدالهادی: تشیع و مشروطیت ایران و نقش علمای مقیم عراق، ج سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴.
- ۱۰- شایان ذکر است که عبدالرحمن کواکبی به متن اصلی کتاب آلفیری دسترسی نداشته است و مشارالیه از ترجمه کتاب آلفیری به زبان ترکی که توسط عبدالله جودت نویسنده عثمانی صورت گرفته بود استفاده کرده است برای اطلاع بیشتر. ک: حائری عبدالهادی، پیشین، ص ۲۲۵.
- ۱۱- رضوانی، محمد اسماعیل: بیست و دو مقاله تبلیغاتی از دوره انقلاب مشروطه، مجله راهنمای کتاب، سال ۱۲، شماره های ۶-۷-۸.
- ۱۲- زیدان جرجی، النهضه العربیه، ص ۹۸ از عنایت، پیشین، ص ۱۶۲.
- ۱۳- کواکبی، پیشین، ص ۱۴.
- ۱۴- همان، ص ۱۷-۱۸.
- ۱۵- میل، جان استوارت: رساله ی در باره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۲۰.
- ۱۶- کواکبی، پیشین، ص ۱۳۷.
- ۱۷- همان، ص ۱۶۱.
- ۱۸- همان، ص ۱۶۱.
- ۱۹- شرابی، هشام: روشنفکران عرب و غرب: ترجمه عبدالرحمن عالم، ج دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶.
- ۲۰- کواکبی، پیشین، ص ۲۸.
- ۲۱- همان، ص ۲۹.
- ۲۲- کواکبی، ام القری، ص ۱۹، به نقل از عنایت ص ۱۷۶.
- ۲۳- کوهستانی نژاد: چالش مذهب و مدرنیسم، ج اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۱۲.
- ۲۴- کواکبی: طبایع الاستبداد، ص ۳۶ و ۳۷.
- ۲۵- خدوری: گرایش های سیاسی در جهان عرب، ۲۳.
- ۲۶- کواکبی، طبایع الاستبداد، ص ۱۳۴.
- ۲۷- همان، ص ۱۳۵.
- ۲۸- پولادی، کمال، پیشین، ۱۹۳.

منابع و مأخذ

- ۱- کواکبی، عبدالرحمن: طبایع الاستبداد و مضارع الاستبداد، ترجمه عبدالحسین فاجار، ج اول، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.
- ۲- خدوری، مجید: گرایش های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، ج دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۳- عنایت، حمید: سیری در اندیشه سیاسی عرب، ج اول، تهران شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۵۶.
- ۴- شرابی، هشام: رمشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، ج دوم: تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.
- ۵- مسعود، کوهستانی نژاد: چالش مذهب و مدرنیسم، ج اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- ۶- پولادی، کمال: تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام، ج اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- ۷- رحمانیان، داریوش: تاریخ علت شناسی انحطاط ایران و مسلمین. ج اول. تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز (سه علامه تبریزی)، ۱۳۸۲.
- ۸- حائری، عبدالهادی: تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ج سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- ۹- قادری، حاتم: اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، ج دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- ۱۰- رضوانی، محمد اسماعیل، بیست و دو مقاله ی تبلیغاتی از دوره انقلاب مشروطه، مجله راهنمای کتاب، سال دوازدهم، شماره های ۶-۷-۸، ۱۳۴۸.